

نامه سردبیر

ورود به دوران پساتحریم، افق‌های جدیدی را پیش‌روی همه بخش‌های علمی، اجتماعی و اقتصادی کشور گشوده و یکی از مهم‌ترین ابعاد این افق‌ها، همکاری‌های بین‌المللی است.

طبیعی است در دنیای بدون مرز امروز، همکاری بین‌المللی نقش بزرگی در توسعه شرکت‌ها و ملت‌ها دارد اما مهم این است که بتوانیم شکل‌های مناسبی برای این همکاری‌ها تعریف نماییم.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از کلیدی‌ترین و در عین حال مناقشه‌برانگیزترین این اشکال است که موافقان و مخالفان آن، فهرست بلندبالایی از دلایل را در رد یا قبول آن ارائه می‌کنند و سیاست واقعاً دقیقی لازم است تا نحوه مواجهه کشور با این پدیده روبه‌رشد جهانی را مشخص کند.

موافقان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی معتقدند که این امر موجب کمک به پس‌انداز ملی و رشد سرمایه‌گذاری شده و تبعاً به رشد اقتصادی و ازدیاد فرصت‌های شغلی و نیز انتقال فناوری‌های نوین به کشور به ویژه برای صادرات به خارج منجر می‌گردد و بنابراین دولت وظیفه دارد به جلب و حفاظت از سرمایه‌های خارجی بپردازد.

در مقابل هم مخالفین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر این باورند که سرمایه‌های خارجی تنها در صورتی می‌تواند نقش‌های مثبت فوق را ایفاء نمایند که شرایط لازم از نظر سرمایه اجتماعی، نظام حقوقی، رانت‌خواری حداقلی و نیز ثبات سیاسی فراهم باشد. به علاوه برخی عوارض منفی آن نظیر ایجاد وابستگی سیاسی و رشد فساد مالی هم جزئی از انتظارات و تأکیدات آنهاست.

هر دو طرف فوق نیز شواهد تجربی‌ای برای اثبات استدلال خود داشته و سرنوشت برخی کشورها را به عنوان مثالی از نظریات خود ارائه می‌کنند.

اما در یک ارزیابی متوازن، به نظر می‌رسد هر دو طرف ماجرا درست می‌گویند. سرمایه خارجی هم مثل هر پدیده دیگر از جمله منابع نفتی) برای ملت‌های دانا، نعمت است و برای ملت‌های نادان، مصیبت. بنابراین نه مقدس است و نه حرام. کلید تشخیص حکم آن نیز، مفهوم مهمی به نام «یادگیری فناورانه» است. هر پروژه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را باید با این عینک، ارزیابی و اگر منجر به آن می‌شود پذیرفت. در غیر این صورت، شاهد تولید کالاهای مصرفی فراوانی خواهیم بود که هزینه لذت لحظه‌ای مصرف آنها معادل خروج میلیاردها دلار نفتی از کشور است.